



The University Of Tehran Press

## Woman in Development and Politics

### Quranic foundations of maternal rights with a social approach based on clause 2 of Article 21 of the Constitution

Moslem Taheri Kal Koshvandi<sup>1</sup>  | Atefeh Andarza<sup>2</sup> 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Shia Studies, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: [muslimtaheri@ut.ac.ir](mailto:muslimtaheri@ut.ac.ir)

2. PhD Student, Department of Shia Studies, Faculty of Theology Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: [andarza.a313@ut.ac.ir](mailto:andarza.a313@ut.ac.ir)

#### Article Info

##### Article type:

Research Article

##### Article history:

Received: 7 November 2023

Received in revised form: 8

April 2024

Accepted: 6 May 2024

Published online: 5 July 2024

##### Keywords:

*Judicial rights,*

*Maternal social rights,*

*Occupational rights,*

*Quranic foundations.*

#### ABSTRACT

The Qur'an, serving as the primary source of guidance for Muslims, offers a comprehensive framework that safeguards the rights of mothers and provides counsel on a multitude of facets pertaining to the lives of mothers. The 21st principle underscores the government's responsibility to ensure women's rights in accordance with Islamic principles. This includes providing assistance to mothers, particularly during pregnancy and child custody matters, and appointing guardianship of children to deserving mothers as compensation for their envy in the event of Although it was not, it is nonetheless regarded as Shari'i. Consequently, the right to custody is governed by Article 1169 BC, Article 946 BC governs the right to the mother's inheritance, and Article 1107 BC governs the right to the mother's alimony. This article employs a descriptive-analytical approach to examine the Quranic underpinnings of maternal rights from a social perspective, in accordance with clause 2 of Article 21 of the Constitution. Consequently, the objective of this article is to analyze the Quranic underpinnings of certain societal rights pertaining to mothers, as explicated in the Quran and the Iranian legal system in a thoroughly documented and argued fashion. Through an analysis of the Qur'anic verses in conjunction with Clause 2, Article 21 of the Constitution concerning the social rights of the mother, it was determined that these rights are consistent with the principles outlined in the Quran.

**Cite this article:** Taheri Kal Koshvandi, M., & Andarza, A. (2024). Quranic foundations of maternal rights with a social approach based on clause 2 of Article 21 of the Constitution. *Women in Development and Politics*, 22(2), 435-458. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.361186.1008392>



© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.361186.1008392>

Publisher: The University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

## زن در توسعه و سیاست

## مبانی قرآنی حقوق مادری با رویکرد اجتماعی براساس بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی

مسلم طاهری کل کشوندی<sup>۱</sup> | عاطفه اندرزا<sup>۲</sup>۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: [muslimtaheri@ut.ac.ir](mailto:muslimtaheri@ut.ac.ir)۲. دانشجوی دکتری، گروه شیعه‌شناسی، دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: [andarza.a313@ut.ac.ir](mailto:andarza.a313@ut.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵</p>	<p>قرآن به‌عنوان منبع اصلی هدایت مسلمانان، چارچوبی جامع برای حمایت از حقوق مادر فراهم می‌کند و راهنمایی‌هایی در جنبه‌های مختلف زندگی مادران ارائه می‌دهد. در اصل بیست‌ویکم نیز بر وظیفه دولت در تضمین حقوق زن با رعایت موازین اسلامی تأکید شده است و از جمله این وظایف را حمایت از مادران به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و نیز اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته برای غبطه آن‌ها در صورت نبود ولی شرعی دانسته است. از این‌رو می‌توان به ماده ۹۴۶ قانون مدنی در باب حق ارث مادر، ماده ۱۱۰۷ درباره حق نفقه مادر و برای حق حضانت به ماده ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ اشاره کرد. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این مسئله است که مبانی قرآنی حقوق اجتماعی مادران طبق بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی چیست. از این‌رو هدف از این مقاله، بررسی مبانی قرآنی برخی از حقوق اجتماعی زنان در مقام مادری است که به‌طور مستدل و مستند در قرآن و نظام حقوقی ایران پرداخته شده است. با بررسی آیات قرآن در راستای حقوق اجتماعی مادر در بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی این نتیجه حاصل شد که این حقوق با مبانی قرآنی همسویی دارد و تأمین حقوق مادری در اجتماع مستلزم تلاش و ایجاد سازوکار صحیح دولت و سازمان‌های مربوطه است. درواقع باید طرحی هدفمند در جهت حمایت از مادران در ایفای مؤثر نقش‌هایشان پایه‌گذاری کنند. این راهبردها ممکن است شامل اجرای سیاست‌های مرخصی زایمان، نفقه، حضانت، ارث، تخفیفات شغلی و قضایی مادران باشد.</p>
<p><b>کلیدواژه‌ها:</b></p> <p>حقوق اجتماعی مادری، حقوق شغلی، حقوق قضایی مبانی قرآنی.</p>	
<p><b>استناد:</b> طاهری کل کشوندی، مسلم، و اندرزا، عاطفه (۱۴۰۳). مبانی قرآنی حقوق مادری با رویکرد اجتماعی براساس بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی. زن در توسعه و سیاست، ۲۲(۲)، ۴۳۵-۴۵۸. DOI: <a href="https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.361186.1008392">https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.361186.1008392</a></p>	
<p>DOI: <a href="https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.361186.1008392">https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.361186.1008392</a></p>	
<p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	



© نویسندگان

## ۱. مقدمه

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد در جوامع گذشته زن از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده است، اما پس از ظهور اسلام، برای زنان و به‌خصوص مادران مقام والایی در نظر گرفته شد و به‌تبع آن حقوق زیادی نیز برای زنان و مادران لحاظ شد (Farzand Vahi, 2014: 127-128). در قرون اخیر، تحولات ساختاری و فرهنگی غربی تأثیر زیادی بر عملکرد و اندیشه انسان‌ها گذاشته است و با توجه به رویکرد فمینیستی در جهان غرب، دامنه این تحولات به تدریج به کشورهای شرقی نیز کشیده شد و رفته‌رفته به کم‌رنگ شدن مقام و نقش واقعی زنان و مادران انجامید. در نگاه اسلام، انجام صحیح مسئولیت و نقش هر جنسیتی یاریگر انسان در رسیدن به ارزش‌های اکتسابی است. مادری نیز یکی از نقش‌های متناسب با طبیعت زن است. مادری عبارت است از انجام دادن سلسله‌ای از امور برای فرزندان؛ بنابراین مقام مادر با فرزنددار شدن معنا می‌یابد و معمولاً این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترش می‌یابد. مراقبت، حمایت، صحبت، بازی و تربیت از سلسله اموری است که مادران در ارتباط با فرزندانشان انجام می‌دهند (Alasvand, 2013, Vol. 2: 121).

مقام مادر، با دو بعد مادرشدن و مسئولیت مادری که همان تولید و تربیت انسان است، نیازمند حمایت و ایجاد فضا و شرایطی متناسب و سالم از بعد اجتماعی است. با توجه به اهمیت جایگاه مادر و حقوق مادری در دین اسلام و تأکید قرآن بر این حقوق (Al-Ahqaf: 15; Luqman: 14; Al-Baqarah: 233; An-Nisa: 33-34; At-Talaq: 6-7) و همچنین نگرانی‌هایی که در جوامع مسلمان به‌خصوص در ایران درباره عدم رعایت حقوق مادری وجود دارد، لازم است به جایگاه و حقوق مادران توجه بیشتری شود. بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از نصوص شرعی است، در برخی از مواد قانونی، بعضی از ابعاد حقوق مادران مورد حمایت و توجه قرار گرفته است. اگرچه ممکن است در مرحله اجرا این قوانین با مانع روبه‌رو شود و آن‌چنان که باید از مادر حمایت نشود. اهمیت جایگاه مادران با توجه به سختی‌ها و مشقات زیادی که به سبب فطرت و طبیعتشان متحمل می‌شوند و همچنین کم‌توجهی‌هایی که برخلاف انتظار جامعه مطلوب دینی به مقام والای مادر و حقوق او صورت می‌گیرد، نگارندگان را بر آن داشت تا علی‌رغم پژوهش‌هایی که در حوزه خانواده و حقوق زنان انجام شده، به بررسی مستندات و مبانی قرآنی حقوق حمایتی مادران طبق بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازند. در این بند مقرر شده است که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی مانند حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند تضمین کند.

با تحلیل بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی می‌توان به همسویی آن با مبانی قرآنی در خصوص حقوق مادر پی برد. رویکرد اجتماعی به حقوق مادری بر این امر اذعان دارد که تأمین این حقوق مستلزم تلاش جامعه به‌عنوان یک کل است. در واقع تصدیق می‌کند که دولت‌ها باید سیاست‌ها و برنامه‌هایی را با هدف حمایت از مادران در ایفای مؤثر نقش‌هایشان ایجاد کنند. با تلفیق اصول قرآنی با مفاد قانون اساسی، جوامع می‌توانند راهبردهای جامعی برای حمایت از حقوق مادران تدوین کنند. این راهبردها ممکن است شامل اجرای سیاست‌های مرخصی زایمان، ارائه خدمات مقرون به‌صرفه مراقبت از کودکان، ترویج برابری جنسیتی در فرصت‌های شغلی و ارائه برنامه‌های آموزشی در زمینه مهارت‌های فرزندپروری همچنین نفقه، حضانت، ارث، تخفیفات شغلی و قضایی مادران باشد. حفظ این حقوق نه تنها برای تک‌تک زنان ضروری است، بلکه برای ساختن یک جامعه عادلانه و هماهنگ نیز ضروری است. از طرفی نیز تلاش‌های هماهنگ برای پرکردن شکاف‌ها بین تئوری و عمل از طریق افزایش کمپین‌های آگاهی‌بخشی و مداخلات سیاسی با هدف ایجاد محیطی مناسب برای رشد مادران مورد نیاز است. این پژوهش با هدف بررسی مبانی قرآنی حقوق مادری، حقوق مادری در جامعه و خانواده را به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی شناسایی و مستندات قرآنی بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که به این حقوق اشاره دارد، مطالعه می‌کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه حقوق زن و مادر پژوهش‌های زیادی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله صورت پذیرفته است. و هریک از مطالعات انجام‌شده با رویکرد خاصی به این موضوع پرداخته‌اند؛ برای نمونه کتاب‌های *حقوق زن و خانواده* (Hekmatnia, 2013)، *بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن* (Mohaghegh Damad, 2000)، *حقوق خانواده* (Katouzian, 2011) و مقالات «حمایت‌های مالی زنان در نظام حقوق خانواده از دیدگاه اسلام» (Kazemi, 2008)، «حقوق مادران در اسناد بین‌المللی» (Jafari, 2010)، «حق مادری در قوانین موضوعه ایران» (Setayeshpur & Ghasemzadeh, 2020)، «بررسی کم‌توجهی‌های موجود به حقوق مادران در قوانین داخلی و بین‌المللی با توجه به حقوق مادران در قرآن کریم» (Montazerqaem & Shafiee: 2018). اما آنچه وجه تمایز این پژوهش و سایر تحقیقات و مطالعات پیشین است، بررسی مستندات و مبانی قرآنی حقوق مادری با رویکرد اجتماعی براساس بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که ایده اصلی پژوهش پیش‌رو است.

**۲-۱. چارچوب مفهومی****۲-۱-۱. چیستی و قلمرو حقوق**

اهل لغت، در معنای «حق» تعاریفی ارائه داده‌اند: حق به معنای موجود ثابت، ضد باطل، معنا شده است (Fayyūmī, 1994, Vol. 1: 143; Ṭurayhī, 1996, vol. 5: 148). ابن منظور حق را به معنای ضد باطل و حقوق را جمع آن می‌داند (Ibn Manẓūr, 1994, Vol. 10: 49). واژه «حقوق» در معانی مختلفی کاربرد دارد:

الف) حقوق عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد (Javadi Amoli, 2010b: 75).

ب) حقوق به معنای امتیازات؛ برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کسی امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را حق می‌نامند که جمع آن «حقوق» است که از آن به عنوان «حقوق فردی» نیز تعبیر می‌شود. حق زوجیت، حق شفعه، حق مالکیت و... به اعتبار این معنی است. این معنا معادل واژه Right است.

ج) حقوق به معنای دستمزد و اجرت، در حقوق اداری به حق الزحمه ماهانه کارمندان دولت حقوق اطلاق می‌شود.

د) گاهی مقصود از حقوق، علم حقوق است؛ یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می‌پردازد (Katouzian, 2011: 13-14).

بنابراین می‌توان گفت حقوق گاهی به معنای امتیازات، معادل واژه Right است که از آن به عنوان حق فردی و شخصی تعبیر می‌شود. گاهی نیز حقوق اعم از حق و تکلیف است؛ یعنی قوانینی که در میان افراد حاکم است و ایجاد حق و تکلیف می‌کند.

**۳. روش‌شناسی پژوهش**

پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. ابتدا منابع مرتبط با موضوع جمع‌آوری شدند. سپس با مطالعه منابع، مطالب مربوط به مفاهیم کلیدی یادداشت و فیش‌برداری شدند. در مرحله پایانی نیز داده‌ها و اطلاعات گردآوری و تجزیه و تحلیل شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهشی

در دین مبین اسلام، آزادی و جواز اشتغال و فعالیت اقتصادی برای بانوان امری انکارنشده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است» (An-Nisa: 32) در این آیه خداوند جواز اشتغال زنان را مانند مردان بیان می‌کند. با توجه به اینکه حقوق مادری در دوران بارداری و شیردهی و حقوق شغلی او مورد تراحم واقع می‌شود، می‌توان ادعا کرد از جمله مسائلی که با توجه به اقتضات دوران معاصر در مورد حقوق مادران مورد اهتمام بوده است، حمایت از مادران شاغل در دوره بارداری و شیردهی است. اهمیت این موضوع سبب شده برای مادرانی که در کنار مسئولیت خطیر مادری، در اجتماع نیز فعالیت می‌کنند و شاغل هستند، به‌منظور کمتر شدن دغدغه‌هایشان و حفظ سلامتی مادران در دوران بارداری و پس از آن، همچنین اهتمام اسلام به تغذیه کودک با شیر مادر، در قانون تمهیداتی مانند مرخصی‌های دوران زایمان و شیردهی، کاهش ساعت کاری، ارفاق‌های شغلی و... در نظر گرفته شود. از قوانینی که برای حمایت از مادران شاغل در این دوران در بخش دولتی و بخش خصوصی وضع شده است، می‌توان به ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر، مواد ۷۶-۷۸ قانون کار و ماده ۲۶ آیین‌نامه مرخصی‌ها اشاره کرد؛ بنابراین از آنجا که اسلام پایه احکام و حقوق مربوط به زن را بر مبنای فطرت قرار داده و همسویی شریعت و طبیعت، مبنای صدور حقوق زنان و مردان است (Azimzadeh Ardebili, 2004: 37)، با تمسک به اطلاق آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» می‌توان گفت اعطای حقوق و تخفیفاتی متناسب با شرایط خاص زنان شاغل، در دوران بارداری و شیردهی، مصداقی از رفتار شایسته و حمایت از حقوق مادران شاغل خواهد بود و حاکمیت هم باید در اجرای حقوق وضع شده در مورد مذکور اهتمام ورزد.

از دیگر حقوق اجتماعی مادران، حقوق قضایی است. براساس ماده ۱۴۲ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان که در نظام جمهوری اسلامی ایران وارد شده، حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان مجازات یا معافیت از آن یا نحوه اجرا، در صورت ندامت و اثبات توبه زنان بزهکار در زمان بارداری، شیردهی و بیماری است. از آنجا که خداوند در قرآن به اصول و کلیات احکام پرداخته و جزئیات آن در لسان اهل بیت بیان شده است، برای احکام حقوقی از این قبیل شاید نتوان صراحتاً به آیه استناد کرد، بلکه لازم است با استفاده از قواعد اصولی که برگرفته از نص و سنت و اجماع عقلا است و همچنین پذیرفته شده نزد فقهای شیعه است، مورد استناد قرار گیرند.

طبق مفاد ماده ۱۴۲ منشور حقوق زنان در مواردی که مادری مرتکب جرمی می‌شود و از عمل خود پشیمان است، قانون‌گذار می‌تواند با توجه به اطلاق ادله شرعی مانند آیه فوق با تنقیح مناط و الغای

خصوصیت، بنا بر مصالحی مانند بارداری، تربیت فرزند، بیماری، طبیعت لطیف زن که برخی از مفسران قرآن کریم نیز در ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره بدان اشاره کرده‌اند، در مجازات مادران بزهکار تخفیف قائل شود یا آن‌ها را از مجازات معاف سازد (Qutb, 1992, Vol. 1: 236).

علاوه بر این با توجه به قید توبه در ماده ۱۴۲ ماده منشور، همان‌طور که اظهار ندامت و توبه فرد گناه کار از گناه خود، اگر از روی اخلاص و صداقت باشد موجب بخشایش از سوی خداوند رحمان و از بین رفتن آثار گناه در آخرت و حتی بعضاً در دنیا می‌شود، در قوانین حقوق اسلامی نیز که الهام گرفته از آموزه‌های دینی است، جایگاهی برای توبه شخص بزهکار در تخفیف یا ساقط شدن مجازات‌ها در شرایط خاص لحاظ شده است.

## ۵. بحث

### ۵-۱. شناسایی مصادیق قرآنی حقوق مادران

در آموزه‌های دینی، مقام مادر دارای جایگاهی ارزشمند و رفیع است. مادر شدن با توجه به ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی، بعد از بارداری، در زنان به وجود می‌آید و این مسئولیت مهم برعهده آن‌ها قرار می‌گیرد. لذا در قرآن و قانون اسلامی، حقوقی برای حمایت از مادر در نظر گرفته شده تا با رعایت آن سختی‌های این مسیر هموار شود.

### ۵-۱-۱. حقوق خانوادگی مادران

حقوق خانوادگی مادران شامل حقوقی است که به مادران در مواردی مانند ازدواج، طلاق، نگهداری و تربیت فرزندان، وراثت و موارد مشابه اعطا می‌شود. این امر به منظور حصول اطمینان از این است که مادران بتوانند مراقبت و نگهداری بهتری از فرزندان داشته باشند. در ادامه این حقوق با استناد به آیات قرآن به تفصیل بررسی می‌شود.

### ۵-۱-۱-۱. نفقه

نظام حقوقی اسلام در احکام فقهی با تمسک به قرآن و سنت، به حقوق و وظایف متقابل زوجین توجه خاصی دارد. حق نفقه نیز از حقوقی است که در مقام همسری و مادری، برای زن در نظر گرفته شده است. آیات قرآن صراحتاً بر وجوب پرداخت نفقه، هم در زندگی مشترک و هم بعد از طلاق دلالت دارد.

الف) آیه ۲۳۳ سوره بقره: «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته (در مدت شیردادن)

بپردازد (حتی اگر طلاق گرفته باشد).» این آیه مسئولیت پدران در تأمین حمایت مالی در دوران بارداری و شیردهی را برجسته و اهمیت مشارکت پدران را در این دوره حساس تقویت می‌کند. شیخ طوسی در تفسیر آیه فوق آورده است بر پدر کودک واجب است در برابر شیردادن مادر به فرزند او، خوراک و پوشاک مادر را در دوران شیردهی تأمین کند، (حتی) اگر او را طلاق داده باشد (Tūsī, N.d, Vol. 2: 256).

حضرت رسول اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) نیز در حجة الوداع در مورد نفقه زن فرمودند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لِهِنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَ كَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» تقوا پیشه کنید درباره زنان، همانا آن‌ها را به امانت خداوند گرفته‌اید و آن‌ها به نام خداوند بر شما حلال شده‌اند و حق آن‌هاست که رزقشان و پوشاکشان را به‌طور پسندیده و شایسته بدهید (Majlisī, 1983, Vol. 21: 405).

ب) آیه ۳۴ سوره نساء از دیگر آیاتی است که برای حق نفقه مورد استناد است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ... وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» در واقع سرپرستی مردان، به‌خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت‌های مالی در برابر زنان و خانواده به‌عهده دارند (Makarem Shirazi, 1995, Vol. 3: 371). مفسران، ذیل این آیه اتفاق نظر دارند که بر مرد لازم است امور نفقه و سکنی و غیر این‌ها را برای زن مهیا کند (Zamakhsharī, 1987, Vol. 1: 506; Fakhr al-Dīn al-Rāzī, 2000, Vol. 10: 71; Ālūsī, 1955, Vol. 3: 24; Ṭabāṭabā'ī, 1995, Vol. 4: 72; Tayyib, 1999, Vol. 4: 545).

ج) همچنین در آیه اول سوره طلاق خداوند می‌فرماید: «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ...؛ آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون نکنید.» این آیه مربوط به دوران عده پس از طلاق رجعی است که خداوند به‌دلیل منفوربودن طلاق، این فرصت را در اختیار مرد و زن قرار می‌دهد که با حضور زن در منزل شوهر پس از طلاق، احساسات و عواطف میان آن دو برگردد و در صورت پشیمانی به هم رجوع کنند. لذا مفسرین متفق‌القول هستند که با توجه به دستور خداوند به مرد که زن را در دوران عده طلاق رجعی نباید از خانه بیرون کنند، بر مرد واجب است نفقه زن را تأمین کند (Rāwandī, 1985, Vol. 2: 165; Fakhr al-Dīn al-Rāzī, 2000, Vol. 30: 561).

د) از دیگر مستندات قرآنی حق نفقه زن، آیات ۶ و ۷ سوره طلاق است که خداوند فرموده: «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكُنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَ لَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلًا فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ... \* لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ...



آن‌ها (زنان مطلقه) را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید...\* بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند.» مفسران در ذیل این آیه گفته‌اند مرد بعد از طلاق همسرش باید در دوران عده در همان مسکن که خود ساکن است، همسرش را نیز سکونت دهد. فراهم کردن مسکن خود مصداقی از نفقه است. البته هر کس به مقدار توانش، مردان توانگر وقتی همسر بچه‌دار خود را طلاق می‌دهند، باید در ایام عده و ایام شیرخواری کودکان، به زندگی مطلقه و کودک خود توسعه دهند. اگر هم از نظر مالی توان ندارند هر اندازه که قادر است این حق را ادا کند (Tabāṭabāī, 1995, Vol. 19: 532-533; (Fakhr al-Dīn al-Rāzī, 2000, Vol. 30: 564).

بنابراین این نیز ناظر به پرداخت حق نفقه در دوران عده است. لذا اگر زنی از شوهرش با طلاق رجعی جدا شود، به منزلهٔ زوجهٔ او خواهد بود و پرداخت نفقه در این دوران بر مرد واجب است. ادامهٔ آیه نیز اشاره به زن باردار دارد که چه در طلاق رجعی و چه در طلاق بائن تا زمان وضع حمل، مرد موظف است نفقهٔ او را بپردازد و از او حمایت مالی کند.

#### ۵-۱-۱-۱-۱. مصادیق نفقه در قرآن

نفقه‌ای که مرد باید به همسرش بپردازد شامل چه چیزهایی می‌شود؟ آیا محدود به مصادیق خاص و موارد ضروری است؟ یا به‌طور مطلق تمام احتیاجات زن اعم از ضروری و غیرضروری را شامل می‌شود؟ و به عرف و زمان بستگی دارد؟ در قرآن آیاتی ذکر شده است که تهیهٔ خوراک، پوشاک و مسکن را برای زنان نفقه دانسته است.

#### الف) خوراک و پوشاک

خداوند در آیهٔ ۲۳۳ سورهٔ بقره به این مهم اشاره کرده و فرموده است: «... عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته (در مدت شیردادن) بپردازد (حتی اگر طلاق گرفته باشد) «بسیاری از فقها در باب وجوب نفقه به آیهٔ مذکور استناد کرده‌اند (Shahīd al-Najafī, 1983, Vol. 31: 301; (Thānī, 1993, Vol. 8: 438). این بیان به معنای آن است که پدر باید نه‌تنها نفقه زن و بچه‌های خود را پرداخت کند، بلکه باید برای کودکان خود هزینه‌های پوشش و روزمرگی را نیز تأمین کند. بر این اصل در قرآن به‌عنوان حقوق زن و کودکان تأکید شده است.

**ب) مسکن**

فقه‌های مذاهب با استناد به آیه اول سوره طلاق «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ» و همین‌طور آیه ۶ سوره طلاق «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ» بر وجوب تهیه مسکن برای زوجه مطلقه متفق‌القول هستند (Najafi, 1983, Vol. 31: 339)؛ بنابراین زنی که هنوز همسر مردی است و عضو خانواده‌اش به حساب می‌آید، به طریق اولی مستحق مسکن خواهد بود و بر مرد لازم است آن را فراهم کند. از این‌رو مسکن هم مصداق نفقه محسوب می‌شود. چنان‌که در آیات فوق مشاهده شده است، طبق نص صریح قرآن، خوراک، پوشاک و مسکن از مصادیق نفقه محسوب می‌شوند.

**ج) سایر احتیاجات**

سایر موضوعات مانند خدمات، آموزش، درمان، آرایش، لوازم منزل، خدمتکار و... که در قرآن تصریح نشده مورد اختلاف فقها است. همان‌طور که در کتاب *جوهر الکلام* ذکر شده، برخی از فقها موارد مذکور و امثال آن را جزو نفقه زن نمی‌دانند و برخی دیگر مانند خود صاحب *جوهر* معتقدند همه این موارد با در نظر گرفتن حال زن، زمان، مکان و... به عرف و عادت ارجاع شود که مردان به زنان‌شان از حیث زوجیت اتفاق می‌کنند و فرقی هم بین موارد مذکور و غیر مذکور در آیات و روایات نیست، بلکه همه هزینه‌های متعارف زوجه بر عهده زوج است (Najafi, 1983, Vol. 31: 336-337).

ذیل آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» در تفسیر آمده حقوق زن بر مرد علاوه بر مهر، عبارت از حق نفقه و کسوت و سکنی به مقدار معروف مطابق شئون او و تمکن مرد است. همچنین حق مضاجعت و موافقت و غیر این‌ها از حقوق مستحبه و بر مرد است که لوازم زندگی زن از خدمت خانه و طبخ و خرید و لباس شویی و کناسه و خیاطت و نحو این‌ها را فراهم کند (Tayyib, 1999, Vol. 2: 459). علامه طباطبایی نیز می‌فرماید: در عرف قرآن وقتی دو واژه «رزق» و «کسوت» با هم استعمال می‌شوند، مانند واژه «کسوت» و «نفقه» به غیر از معنای لغوی خود، یعنی غذایی که انسان می‌خورد و لباسی که می‌پوشد، کنایه از مجموع هزینه زندگی و بودجه‌ای که در برآوردن حوائج مادی زندگی خرج می‌شود که بنابراین غیر از غذا و لباس، سایر مایحتاج آدمی از قبیل مسکن و دارو و امثال آن را شامل می‌شود (Tabātabā'i, 1995, Vol. 4: 274). در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، موارد نفقه زوجه، تا قبل از سال ۱۳۸۱، این‌طور تعریف شده بود: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.»

همان طور که در ماده مذکور آمده، تنها تعدادی از احتیاجات زن ذکر شده و به باقی نیازهای زوجه از قبیل دارو، وسایل نظافت و... اشاره‌ای نشده است. اما با توجه به آیه «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» و همچنین قید «به‌طور متعارف» که در ماده فوق از قانون ذکر شده است، می‌توان سایر نیازهای زن را که با توجه به زمان تغییر می‌کند، نفقه دانست. هرچند پس از تغییر و اصلاح این ماده از قانون در سال ۱۳۸۱، تعریف نفقه به این صورت شد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن و البسه، غذا و اثاث البیت و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت داشتن زن به خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.» بنا بر آنچه گفته شد می‌توان گفت با توجه به گذشت زمان و تحول یافتن و به‌روزشدن سبک زندگی بشر، باید مصادیق را همچنان که در شرع نیز محدود نشده است، به‌طور مطلق آن را به عرف ارجاع و با شرایط روز تطبیق داد.

#### ۵-۱-۱-۲. شیردهی

از دیگر حقوق مالی مادران، حق دریافت اجرت در مقابل شیردهی است، در واقع مادر نوزاد می‌تواند در قبال شیردهی خود اجرت مطالبه کند. مشهور فقها با استناد به آیاتی از قرآن به این امر فتوا داده‌اند (Shahīd al-Thānī, N.d, Vol. 5: 452). همچنین خداوند در آیه ۶ سوره طلاق صراحتاً به این حق اشاره کرده و تأمین نیازهای مادی مادر در دوران شیردهی را مورد توجه قرار داده و فرموده است: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْتُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ؛ اگر زنان شما حاضر شدند فرزندان را شیر دهند، اجرت ایشان را بپردازید» و نیز در آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و بر (پدر) که فرزند برای او متولد شده (واجب) است، خوراک و پوشاک مادران را به‌طور شایسته بپردازد.

ذکر این نکته لازم است که آیه ۶ سوره طلاق به روابط زن و مرد پس از طلاق مربوط است، اما به دلیل اطلاقی که دارد شامل مواردی که ارتباط زوجین باقی است نیز می‌شود. از طرفی نیز اگر مادر بخواهد به فرزند خود شیر دهد، پدر نمی‌تواند مانع او شود و شیردادن را به شخص دیگری بسپارد؛ زیرا مادر نوزاد به استناد آیه ۲۳۳ سوره بقره: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ؛ مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند» نسبت به سایر افراد اولویت دارد. همچنین با استفاده از آیه «لَا تَضَارَّ وَالِدَةً وَبَوْلَدَهَا وَلَا مَوْلُودًا لَهُ بَوْلَدِهِ؛ هیچ‌یک از پدر و مادر حق ندارند به کودک ضرر برسانند» که بیانگر قاعده فقهی لاضرر است، از آنجا که منع کردن مادر از شیردادن به فرزندش، مصداق ضرر

به کودک است، از این آیه و قاعده برگرفته از آن استفاده می‌شود که سلب کردن این حق از مادر جایز نیست.

باید به این امر توجه داشت که هزینه شیردادن به کودک با نفقه واجب زن ارتباطی ندارد و کاملاً متفاوت است؛ زیرا نفقه مربوط به تمکین زن دائمی است، گرچه شیرده نباشد. ولی تأمین هزینه شیردهی در برابر شیردادن است، هرچند مادر کودک مطلقه یا نکاح او موقت باشد. پدر کودک موظف است به زن دائمی خود که کودک را شیر می‌دهد، غیر از نفقه واجب زن و به مادر شیرده کودک که طلاق غیررجعی داده شده است و نفقه واجب ندارد، اجرت شیردهی را بپردازد (Javadi Amoli, 2008, Vol. 11: 379).

### ۵-۱-۱-۳-ارث

در دین اسلام، حق ارث از دیگر حقوقی است که برای زنان و مادران مقرر شده است. در قانون مدنی نیز به قوانین مربوط به ارث کاملاً پرداخته شده و به طور کامل براساس فقه اسلامی عمل شده است. براساس تعالیم اسلام، آنچه موجب می‌شود دارایی متوفی به ورثه او منتقل شود، رابطه نسبی و سببی<sup>۱</sup> است (Javadi Amoli, 2010, Vol. 17: 536-537). قرابت سببی زوجین، به سبب عقد زناشویی منعقد می‌شود. همچنین هر یک از زوجین از طریق خویشاوندان نسبی ارث می‌برند. آنچه در این مقال مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، حق و سهم ارث زن در مقام مادری است. در ماده ۹۴۶ قانون مدنی ذکر شده زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج، یک‌هشتم از عین اموال منقول و یک‌هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد. طبق ماده ۹۴۸ هرگاه ورثه از ادای قیمت امتناع کنند، زن می‌تواند حق خود را از عین اموال استیفا کند. مبنای قرآنی این حق نیز آیه «... فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ...»

۱. نسبی، دارای سه طبقه است:

الف) افرادی که بی‌واسطه با میت ارتباط دارند؛ مثل پدر و مادر و فرزند. اینان بر دیگران مقدم‌اند و براساس سهم مقرر از میت ارث می‌برند.

ب) کسانی که با یک واسطه با میت ارتباط دارند؛ مانند برادر و خواهر و جد و جده که از طریق پدر یا مادر به میت مرتبط‌اند. این گروه نیز بر افراد دیگر تقدم دارند و براساس سهم مقرر از میت ارث می‌برند.

ج) کسانی که با دو واسطه با میت ارتباط دارند؛ مانند عموها و عمه‌ها؛ زیرا عمو و عمه از راه جد و جد نیز از راه پدر به میت ارتباط دارد. این گروه هرچند از طبقه دوم متأخرند، نسبت به فرزندان عمو و عمه مقدم هستند. آنان نیز براین اساس از میت ارث می‌برند.

سببی نیز دو نوع است: زوجیت؛ ولاء (ولاء نیز سه مرحله دارد: ولاء عتق؛ ضمان جریه؛ ولاء امامت).

(An-Nisa: 12) اگر فرزندی داشته باشید، یک‌هشتم برای میراث شما از ایشان خواهد بود، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استثناء شود].  
 براساس آیات الاحکام و سخن مفسران ذیل این آیه، چنین برمی‌آید که اگر مردی بمیرد و فرزند داشته باشد، ولو از زن دیگر، زن دائمی بعد از فوت شوهر یک‌هشتم از ماترک اموال متوفی، حق او خواهد بود. لذا طبق قول خداوند و تأکید مفسران، وارثان بعد از عمل به وصیت متوفی یا پرداخت دیونش (در صورت موجود) مستحق سهم الارث خود می‌شوند که در این بخش زوجۀ دارای فرزند منظور است (Husaynī al-Jurjānī, 1984, Vol. 2: 202; Ṭabāṭabā'ī, 1995, Vol. 3: 335; ) (Tabarsī, 1981, Vol. 53; Qutb, 1992, Vol. 1: 593).

زن در مقام مادری نیز از فرزند خود ارث می‌برد که موجب این ارث نسب است. چنان‌که بیان شد، پدر و مادر و فرزندان میت در طبقۀ اول نسب قرار دارند. براساس ماده ۹۰۶ قانون مدنی، اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشند، موجود نباشد، هریک از ابویان در صورت انفراد تمام ارث را می‌برد و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند، مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می‌برد. اما اگر مادر حاجب داشته باشد، سدس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است.

مبنای قرآنی حق ارث مادر طبق ماده قانون فوق، آیه «وَلِلْأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِلْأُمَّةِ الثَّلَاثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْأُمَّةِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ؛ و برای هریک از پدر و مادر وی [متوفی] یک‌ششم از ماترک [مقرر شده] است، این در صورتی است که [متوفی] فرزندی نداشته باشد. ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند، برای مادرش یک‌سوم است [و بقیه را پدر می‌برد] و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک‌ششم می‌برد، [البته همه این‌ها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استثناء شود].» (An-Nisa: 11)

علامه طباطبایی در مورد بیشتر بودن یا تساوی سهم مادر نسبت به پدر با استناد به آیه «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ، كَرِهًا وَ وَضَعَتْهُ كَرِهًا وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (Al-Ahqaf: 15) می‌فرماید اگر سهم مادر برخلاف هر زن دیگر که سهمش نصف سهم مرد است برابر سهم پدر، و در بعضی صور نیز حتی بیش از پدر است، قطعاً به این دلیل است که شارع مقدس خواسته جانب مادر را غلبه دهد و او را شایسته احترام بیشتری نسبت به پدر معرفی کند؛ زیرا مادر از نظر رحم چسبیده‌تر از پدر به فرزند است، و تماس و برخورد او با فرزند نیز بیش از تماس و برخورد پدر است. همچنین مادر در حمل، وضع، حضانت فرزند و پرورش او رنج بیشتری را تحمل می‌کند (Tabāṭabā'ī, 1995, Vol. 4: 340).

### ۵-۱-۱-۴. حضانت

طبق آموزه‌های دینی، برای مادر همچنان که در بحث گذشته مطرح شد، حقوق زیادی بیان شده است که حق حضانت نیز یکی از آن‌ها به‌شمار می‌رود. در تعریف حضانت گفته شده «حضانت نگره داشتن طفل، مواظبت و مراقبت از او و تنظیم روابط او با خارج است، با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک طفل شناخته شده است» (Safaei & Emami, 2016: 119).

در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی آمده است: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است.» زیرا اگر حضانت حق صرف تلقی می‌شد، والدین در اعمال آن مختار بودند و ممکن بود این امر دستاویزی برای گریز از مسئولیت بوده و خود را در قبال طفل متعهد نمی‌دانستند. از سوی دیگر، نمی‌توان حضانت را حکم صرف و ناشی از احکام قانون‌گذار تلقی کرد؛ زیرا والدین می‌توانند در این باره و مطابق با مصلحت طفل با هم تراضی کنند (Haji Azizi, 2015: 108-109).

در مورد حق اولویت در حضانت هر یک از ابوبین در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی گفته شده برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوبین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا هفت‌سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است و در تبصره این ماده ذکر شده که بعد از هفت‌سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه است.

آنچه از لسان دین و قوانین موضوعه برمی‌آید این است که تا وقتی والدین در زیر یک سقف زندگی مشترک دارند، مسلماً این حق برای هر دو متصور است و مشترکاً از طفل نگهداری می‌کنند، اما زمانی که به سبب عواملی مانند طلاق، پدر و مادر طفل جدا از یکدیگر زندگی کنند، در واقع آنچه از حق حضانت به ذهن انسان متبادر می‌شود نیز بعد از مفارقت پدر و مادر است. از لحاظ فقهی براساس اختلاف روایات در این باب، حالات مختلفی برای والدین متصور شد. البته در مورد حضانت کودک تا دو سال اختلافی بین فقها مشاهده نشده است و همه بر این امر متفق‌القولند که تا دو سال حق مادر است. همچنان که خداوند در آیه «وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (Al-Baqarah: 233) بدان اشاره کرده است.

مفسران نیز براساس آیه فوق معتقدند حق حضانت و پرورش کودک تا دو سال «حولین» برعهده مادر است؛ زیرا کودک در این مدت در مرحله شیرخوارگی به سر می‌برد و به‌خاطر عطوفت و محبت مادری و اینکه فرزند باید غذای خود را از شیر مادر تأمین کند، طفل به مادر واگذار می‌شود و مرد نیز نمی‌تواند به‌اجبار میان مادر و کودک جدایی بیندازد (Tabātabā'ī, 1995, Vol. 2: 361; Hosseini Hamadani, 1984, Vol. 2: 240)؛ زیرا در همین آیه به ممنوعیت اضرار تصریح شده است: «لَا تُضَارُّ وَالِدَةً يَوْلِدُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يَوْلِدُهَا» و در فقه نیز قاعده‌ای به نام لاضرر مطرح است و

این امر نیز یکی از مصادیق این قاعده به‌شمار می‌آید؛ بنابراین با توجه به حقی که برای مادر و کودک در این دوران متصور است، پدر نمی‌تواند بر جسم و روح آن‌ها ضربه وارد کند. متأسفانه برخی از مردان علاوه بر اینکه بنا به دلایلی برای همسر خود احترامی قائل نیستند و موجبات اذیت و آزار آن‌ها را فراهم می‌آورند، بلکه درصدد جدایی مادر و فرزند نیز هستند که این امر هم سبب رنجش عاطفی مادر می‌شود و هم روح لطیف کودک را جریحه‌دار می‌کند و آثار سوئی به‌دنبال خواهد داشت. پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) در مورد این‌گونه مردان می‌فرماید: «مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ وَالِدَةٍ وَ وَلَدِهَا فَفَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَحِبَّائِهِ فِي الْجَنَّةِ؛ هر کس بین یک مادر و فرزندش جدایی بیندازد، خداوند متعال در روز قیامت، بین او و دوستانش جدایی خواهد انداخت» (Ibn Abī Jumhūr, 1985, Vol. 2: 249).

اگرچه طبق نظر مشهور فقهای امامیه، حضانت پسر تا دو سال و دختر تا هفت سال با مادر است و پس از آن با پدر است. از آنجا که روایتی مبنی بر این امر وجود ندارد، آنچه از روایات قابل برداشت است این است که حضانت فرزندان اعم از پسر و دختر تا هفت‌سالگی با مادر است و مادر نسبت به این امر شایسته‌تر است (Jafari, 2010: 33-34).

قانون مدنی ایران در ابتدا طبق قول مشهور فقها، قانون حضانت مادر را تصویب کرده بود، اما در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۸، مجمع تشخیص مصلحت نظام با تبصره‌ای الحاقی، این قانون را تغییر داد و حضانت کودک بدون ملاک بودن جنسیت تا ۷ سالگی برعهده مادر گذاشت.

### ۵-۱-۲. حقوق اجتماعی مادران

حقوق اجتماعی مانند دیگر حقوق از جهات مختلفی مورد توجه فقها و حقوق‌دانان قرار گرفته است. این حقوق روابط اشخاص را فقط به‌لحاظ عضو بودن در جامعه تنظیم و اصول و قواعدی برای آن تعیین می‌کند. زنان به‌عنوان عضوی از جامعه از این حقوق بهره‌مندند. برخی از این حقوق قبل از ازدواج و برخی دیگر بعد از ازدواج در مقام مادری برای زنان وجود دارد. در بند ۲ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تصریح شده که «در طی دوره معقولی پیش و پس از تولد کودک باید حمایت ویژه‌ای از مادران صورت بگیرد» و نیز در همین بند تأکید شده که «به مادران مشغول کار باید مرخصی استحقاقی (همراه با پرداخت حقوق) و مزایای کافی تأمین اجتماعی اعطا شود».

### ۵-۱-۲-۱. حقوق شغلی

آنچه مسئولیت مادر را نسبت به پدر سنگین تر می کند، تولید نسل و تربیت فرزندان است؛ زیرا هم سختی ها و مشقات دوران بارداری را متحمل می شود و هم وظیفه مهم تربیت فرزند برعهده مادر است. به منظور تربیت صحیح انسان به عنوان یک موجود پیچیده، غیر از مادر جایگزینی مطمئن تر و دلسوزتر وجود ندارد؛ بنابراین مادر نقش بسزایی در تحویل انسان های خوب و شایسته به جامعه بشری دارد. این نکات رهنمون گر اهمیت جایگاه حقوق مادران است که کم توجهی به این قشر، آثار نامطلوبی در جامعه به دنبال دارد.

در دین مبین اسلام، آزادی و جواز اشتغال و فعالیت اقتصادی برای بانوان امری انکارنشدنی است. همچنین این امر در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۲۰-۲۱ و همچنین اطلاق اصل ۲۸ قانون اساسی) به عنوان یکی از ضوابط حاکم بر نظام اقتصادی کشور به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر قانون اساسی در منشور حقوق و مسئولیت های زنان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳ این امور مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. از جمله مسائلی که با توجه به اقتضائات دوران معاصر در مورد حقوق مادران مورد اهتمام بوده، حمایت از مادران شاغل در دوره بارداری و شیردهی است. با توجه به اینکه حقوق مادری در دوران بارداری و شیردهی و حقوق شغلی او مورد تراحم واقع می شود. اهمیت این موضوع سبب شده برای مادرانی که در کنار مسئولیت خطیر مادری، در اجتماع نیز فعالیت می کنند و شاغل هستند. به منظور کمتر شدن دغدغه هایشان و حفظ سلامتی مادران در دوران بارداری و پس از آن، همچنین اهتمام اسلام به تغذیه کودک با شیر مادر، در قانون، تمهیداتی مانند مرخصی های دوران زایمان و شیردهی، کاهش ساعات کاری، ارفاقات شغلی و... در نظر گرفته شود. از جمله قوانینی که برای حمایت از مادران شاغل در این دوران در بخش دولتی و بخش خصوصی وضع شده است، می توان به ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر، مواد ۷۸-۷۶ قانون کار<sup>۱</sup> و ماده ۲۶ آیین نامه مرخصی ها<sup>۲</sup> اشاره کرد.

۱. در ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوبه ۱۳۷۴/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی آمده، مرخصی زایمان تا سه فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می دهند، در بخش های دولتی و غیردولتی چهار ماه است. در تبصره ۱ این ماده آمده، مادران شیرده بعد از شروع به کار مجدد در صورت ادامه شیردهی می توانند حداکثر تا ۲۰ ماهگی کودک، روزانه یک ساعت از مرخصی (بدون کسر از مرخصی استحقاقی استفاده کنند) و در تبصره ۲ نیز ذکر شده امنیت شغلی مادران پس از پایان مرخصی زایمان و در حین شیردهی باید تأمین شود.

\* الحاق تبصره ۳ به ماده ۳ (مصوبه ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی و تأییدیه شورای نگهبان به شماره ۱۹۲۶ مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۸؛ مرخصی زایمان برای وضع حمل های دوقلو، پنج ماه و برای زایمان های سه قلو و بیشتر یک سال با استفاده از حقوق و فوق العاده های مربوط تعیین می شود.



با توجه به مباحث قانونی مطرح شده در باب حمایت از حقوق مادران شاغل در دوران بارداری و شیردهی، جا دارد به مستندات قرآنی این حقوق پرداخته شود. در ابتدا لازم است نظر اسلام در ارتباط با اصل اشتغال زنان روشن شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد براساس آیات قرآن، جواز اشتغال و استقلال زن امری روشن است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.» (An-Nisa: 32) در این آیه خداوند جواز اشتغال زنان را همانند مردان اثبات می‌کند. همچنین در قرآن شواهد دیگری وجود دارد که دلالت بر تشویق خداوند به حضور انسان‌ها در امور اقتصادی دارد. مانند آیاتی که مردم را به جست‌وجوی فضل خدا و طلب رزق «لِيَتَّبِعُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ...» (Al-Isra: 12) «لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ...» (Fatir: 12) تحصیل آن دعوت کرده است. «فَاتَشْتَرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتِغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...» (Al-Jumu'ah: 10) یا آیاتی که مردم را دعوت به آبادانی زمین کرده است.<sup>۳</sup> «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (Hud: 61). با توجه به اینکه در هیچ یک از آیات مذکور، صرفاً مردان خطاب قرار نگرفته‌اند، بلکه همه مردم به طلب و

\* قانون اصلاح ماده ۳ مصوبه ۱۳۸۶/۴/۶ مجلس شورای اسلامی و تأییدیه شورای نگهبان به شماره ۶۳۵/ ۶۱۰۴۹ مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۵؛ در ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی عبارت از چهار ماه به شش ماه و در تبصره ۱ عبارت «حداکثر تا ۲۰ ماهگی» به عبارت «حداکثر تا ۲۴ ماهگی» اصلاح می‌شود.

۱. در قانون کار مصوبه ۱۳۶۹/۰۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده ۷۶: مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعاً ۹۰ روز است. حتی‌الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مدت مرخصی اضافه می‌شود.

تبصره ۱: پس از پایان مرخصی زایمان، کارگر زن به کار سابق خود بازمی‌گردد و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزو سوابق خدمت وی محسوب می‌شود.

تبصره ۲: حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی پرداخت خواهد شد.

ماده ۷۷: در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی بدون کسر حق‌السعی، کار مناسب‌تر و سبک‌تری به او ارجاع می‌نماید.

ماده ۷۸: در کارهایی که دارای کارگر زن هستند، کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت نیم ساعت فرصت شیردادن بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آن‌ها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهدکودک و...) را ایجاد نماید.

۲. به بانوان باردار برای هر بار وضع حمل تا سه فرزند، سه ماه معذوریت و برای فرزند چهارم به بعد دو ماه معذوریت و برای وضع حمل دوقلو چهار ماه و برای وضع حمل دوقلو به بالا یک سال معذوریت با استفاده از حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط داده می‌شود. معذوریت وضع حمل جزو مرخصی استعلاجی محسوب می‌شود و تشخیص تاریخ شروع آن برعهده پزشک معالج است.

۳. «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود: ۶۱)

جست‌وجوی فضل الهی که کسب رزق و اشتغال یک مصداق از آن است، دعوت شده‌اند، می‌توان گفت اشتغال زنان مانند مردان جایز است و نیز صاحب و مالک درآمد خود هستند. روایات نیز بیانگر این امر است که زنان مسلمان در صدر اسلام در جلوی دیدگان پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصوم (علیهم السلام) در زمینه‌های مختلفی مانند بافندگی و ریسندگی (Hurr al-‘Āmilī, 1989, Vol. 17: 237) آرایشگری (Hurr al-‘Āmilī, 1989, Vol. 17: 237) تجارت (Majlisī, 1983, Vol. 16: 9) و... اشتغال داشتند و مورد نهی قرار نگرفته‌اند، بلکه اجازه داده شده به چنین مشاغلی بپردازند.

اما باید توجه داشت اگرچه در آموزه‌های دینی با اشتغال زنان مخالفت نشده است، به طرق مختلف، زنان به انجام امور خانه‌داری و التزام به خانواده<sup>۱</sup> (Nūrī, 1988, Vol. 14: 244)، همسررداری، ماندن در خانه و عدم ارتباط و اختلاط با نامحرم<sup>۲</sup> (Hurr al-‘Āmilī, 1989, Vol. 67: 20) سفارش زیادی شده‌اند. لذا اگر اشتغال زنان، با وظایف همسررداری، خانه‌داری، مصالح خانواده و حیثیت آن‌ها در تنافی و تعارض باشد، جایز نیست به شغلی خارج از منزل بپردازند؛ زیرا در چنین حالتی آسیب‌های جدی به خود زن، خانواده و جامعه وارد خواهد شد. پارسونز جامعه‌شناس مشهور آمریکایی در این مورد می‌گوید: اشتغال زنان، هم موجب تضعیف شرایط عاطفی زن در خانواده می‌شود و هم به دلیل شباهت کارکرد و جهت‌گیری‌های زن و مرد در خانواده و رقابت شغلی میان آن‌ها، زندگی خانوادگی‌شان مختل خواهد شد (Ritzer, 2005: 466).

در دنیای معاصر به خاطر شرایط خاص اجتماعی، پدیده اشتغال برای زنان به شکل جدی مطرح است. حتی در بعضی از مشاغل به مصالح جامعه اسلامی حضور بانوان الزامی است. از طرفی با توجه به ویژگی‌های فطری و طبیعی زنان، این زن است که باید رنج و سختی دوران قاعدگی (Al-Baqarah: 222)، بارداری، زایمان، شیردهی، پرستاری کودک<sup>۳</sup> (Al ahqaf: 15; Luqman: 14) را متحمل شود. حتی خداوند نیز در برخی از دوران‌ها تخفیف‌ها و تسهیلاتی را در انجام تکالیف عبادی نسبت به زنان قائل شده است. پر واضح است که همه این مشقات از توان جسمی زن می‌کاهد و سبب کاهش توانایی او در عرصه شغلی به خصوص در زمان بارداری و شیردهی می‌شود.

از سوی دیگر در منابع اسلامی بر اهمیت تغذیه کودک با شیر مادر تأکید شده است؛ چنان‌که رسول اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛ هیچ شیری

۱. قال رسول الله (صل الله علیه و آله و سلم): «لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ»

۲. حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمودند: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ»

۳. «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كَرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فَضَّلَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»؛ «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَّ عَلَى وَهْنٍ وَ فَضَّلَهُ فِي عَامِنَ..»

برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست.» (Ibn Bābawayh, 1999, Vol. 2: 34) و این مهم از نظر علمی نیز ثابت شده که تکوین و رشد انسان از نظر فیزیولوژیک به مادر وابسته است. جنین انسان برای اینکه شرایط زیست در دنیا را پیدا کند در شرایط خاص دست کم شش ماه و در حالت معمولی نه ماه را در رحم مادر می‌گذراند و پس از تولد نیز برای اینکه شرایط تغذیه را به دست آورد، حداقل شش ماه از شیر مادر تغذیه می‌کند. تغذیه کودک با شیر مادر<sup>۱</sup> به خصوص در شش ماهه نخست زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. براساس نتایج پژوهش‌های پزشکی، تغذیه با شیر مادر تأثیر بسیاری بر سلامتی کودک در طول زندگی دارد و حتی فرد را در دوران نوجوانی و بزرگسالی نیز در برابر برخی بیماری‌ها مقاوم می‌کند. از نظر مواد غذایی، شیر مادر کامل‌ترین ماده غذایی به‌شمار می‌رود و به‌ویژه ترکیبات آن در هفت روز اول شیردهی حاوی ایموگلوبولین<sup>۲</sup> (مواد ضد میکروب) است که سبب حفاظت از روده نوزاد می‌شود (Feiz, 2010: 310-312)؛ بنابراین محرومیت کودک از شیر مادر به سبب اشتغال مادر، ضرر زیادی به دنبال خواهد داشت.

برخی از مفسران معتقدند جمله «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» در آیه ۱۹ سوره نساء به مردان خطاب می‌شود و به شوهران اختصاص ندارد و ضمیر (عَاشِرُوهُنَّ) نیز به (النِّسَاء) برمی‌گردد (Javadi Amoli, 2010a, Vol. 18: 160-161). علامه طباطبایی نیز این آیه را مختص مسائل خانوادگی نمی‌داند، بلکه آن را اصلی برای حیات اجتماعی زنان می‌داند (Tabāṭabā'ī, 1374, Vol. 4: 402). همچنین علامه در ذیل این آیه می‌گوید: تفاوت مزایا و امتیازات برخی افراد یا طبقات با برخی دیگر به‌خاطر مصالحی است (Tabāṭabā'ī, 1995, Vol. 4: 406)؛ بنابراین از آنجا که اسلام پایه احکام و حقوق زن را بر مبنای فطرت قرار داده و همسویی شریعت و طبیعت، مبنای صدور حقوق زنان و مردان است (Azimzadeh Ardebili, 2004: 37)، با تمسک به اطلاق آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» می‌توان گفت اعطای حقوق و تخفیفاتی متناسب با شرایط خاص زنان شاغل، در دوران بارداری و شیردهی، مصداقی از رفتار شایسته و حمایت از حقوق مادران شاغل خواهد بود و حاکمیت هم باید در اجرای حقوق وضع شده در مورد مذکور اهتمام ورزد.

### ۵-۱-۲-۲. حقوق قضایی

از دیگر حقوق اجتماعی مادران، حقوق قضایی است. براساس ماده ۱۴۲ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان

1. Breastfeeding  
2. Imoglobolin

مجازات یا معافیت از آن یا نحوه اجرا، در صورت ندامت و اثبات توبه زنان بزهکار در زمان بارداری، شیردهی و بیماری است. از آنجا که خداوند در قرآن به اصول و کلیات احکام پرداخته و جزئیات آن در لسان اهل بیت بیان شده است، برای احکام حقوقی از این قبیل شاید نتوان صراحتاً به آیه استناد کرد، بلکه لازم است با استفاده از قواعد اصولی که برگرفته از نص و سنت و اجماع عقلا و همچنین پذیرفته شده نزد فقهای شیعه است، مورد استناد قرار گیرند.

خداوند متعال در آیه ۴۴ سوره ص، به صورت مختصر به داستانی اشاره می‌کند که در آن، همسر حضرت ایوب مرتکب خطایی شده بود و حضرت سوگند یاد کرد که بعد از عافیتش او را صد تازیانه بزند. اما اشاره به نوع جرم و خطای او نشده است. علامه طباطبایی در ذیل آیه می‌فرماید: اگر جرم همسر او و سبب سوگند او را ذکر نکرده برای این است که هم تأدب و هم نام‌برده را احترام کرده باشد (Tabāṭabā'ī, 1995, Vol. 17: 321).

خداوند برای اینکه حضرت، قسم خود را نشکند و احترام همسرش حفظ شود و هم اینکه آسیبی به وی وارد نشود فرمود: «وَ خذْ بِيَدِكَ ضَغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَخْشُ؛ حال که سوگند خورده‌ای که همسرت را صد ترکه چوب بزنی، تعداد صد ترکه به دست بگیر و آن‌ها را یک بار به زنت بزن تا سوگند خود نشکسته باشی» (Sad: 55). در معنای کلمه «ضغث» تعابیر مختلفی در زبان مفسران وارد شده است. برخی آن را به معنای کفی (یک مشت) از ریشه یا ساقه گیاه دانسته‌اند (Tabarsī, 1981, Vol. 21: 113). برخی نیز گفته‌اند به معنای دسته‌ای از خوشه ریحان و مانند آن است (Zamakhsharī, 1987, Vol. 4: 98; Fakhr al-Dīn al-Rāzī, 2000, Vol. 26: 399). به هر تعبیر، بیانگر آن است که مجازات با چوب‌های سبکی انجام گرفته است. مفسران<sup>۱</sup> احتمالاتی در باب خطای همسر حضرت ایوب بیان کردند که این مختصر گنجایش، بیان آن را ندارد. اما نهایت امر این است که صدور سوگند حضرت برمبنای صحیح و نافذ بوده و بنابراین باید به آن عمل می‌شد. خداوند نیز از روی لطف و مرحمت برای تخفیف مجازات، راهی را پیش‌روی حضرت ایوب قرار داد و این نشان می‌دهد که خداوند در مورد زنان و بالاخص مادران با توجه به مصالحی شدت عمل را نمی‌پسندد.

لذا طبق مفاد ماده ۱۴۲ منشور حقوق زنان، در مواردی که مادری مرتکب جرمی می‌شود و از عمل خود پشیمان است، قانون‌گذار می‌تواند با توجه به اطلاق ادله شرعی مانند آیه فوق با تنقیح مناط و الغای خصوصیت، بنا بر مصالحی مانند بارداری، تربیت فرزند، بیماری، طبیعت لطیف زن که

۱. طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۱: ۱۱۳؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۴۱؛ گنابادی، ج ۳: ۳۱۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۳۰۴

سید قطب نیز در ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره بدان اشاره کرده (Qutb, 1992, Vol. 1: 336) در مجازات مادران بزهکار تخفیف قائل شود یا آن‌ها را از مجازات معاف کند. علاوه بر این با توجه به قید توبه در ماده ۱۴۲ ماده منشور، همان‌طور که اظهار ندامت و توبه فرد گنهکار، اگر از روی اخلاص و صداقت باشد موجب بخشایش از سوی خداوند رحمان<sup>۱</sup> و از بین رفتن آثار گناه در آخرت و حتی بعضاً در دنیا می‌شود، در قوانین حقوق اسلامی نیز که الهام گرفته از آموزه‌های دینی است، جایگاهی برای توبه شخص بزهکار و تخفیف یا ساقط شدن مجازات‌ها در شرایط خاص لحاظ شده است. در دو ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مدنی در مورد توبه و کیفیت اسقاط یا تخفیف و ارفاق در مجازات آمده: «در جرائم موجب حد به استثنای کذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌شود. همچنین اگر جرائم فوق غیر از کذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید.» طبق تبصره ۱ ماده ۱۱۴ حتی توبه محارب نیز در صورتی که قبل از دستگیری یا تسلط بر او به اثبات برسد، مورد پذیرش و از موجبات سقوط حد می‌شود. همچنین در ماده ۱۱۵ آمده است: «در جرائم تعزیری درجه شش<sup>۲</sup>، هفت<sup>۳</sup> و هشت<sup>۴</sup> چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر، دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.»

## ۶. نتیجه گیری

در دنیای معاصر با توجه به گسترش رویکرد فمینیستی، نقش مادری زنان بیشتر از آنکه به عنوان ارزش تلقی شود، مانعی برای رشد و توسعه فردی در زمینه اشتغال و تحصیل و... به شمار می‌آید. بررسی رویکرد کمال‌گرایانه دین اسلام به جایگاه و حقوق مادر براساس کلام خداوند و معصومین،

۱. زمر: ۵۳؛ اعراف: ۱۵۳؛ شوری: ۱۲۳؛ انعام: ۱۴۷؛ طه: ۸۲؛ نساء: ۱۱۰

۲. حبس بیش از شش ماه تا دو سال - جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال، شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و تا ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

۳. حبس از نود و یک روز تا شش ماه، جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال، شلاق از یازده تا سی ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

۴. حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ده میلیون ریال، شلاق تا ده ضربه

نگاه‌های منفی به این جایگاه را از بین برده و ارزش‌هایی مانند صبر، ایثار، عفت و... را جایگزین آن می‌کند. با توجه به آیات قرآن، لازم است قوه مقننه حقوق مادر را در همه ابعاد مورد توجه و حمایت ویژه‌ای قرار دهد و این حمایت، تنها وضع چند مواد قانونی نباشد، بلکه ضمانت اجرایی داشته باشد و به آن جامعه عمل پوشانده شود؛ زیرا هنگامی که یک زن شاهد احقاق حقوقش نباشد، نیازهایش برطرف نشود و احساس امنیت نداشته باشد، به‌طور قطع وظایفش را به‌درستی انجام نخواهد داد و آثار سوء آن، هم به خانواده و هم به جامعه وارد می‌شود. از آنجا که خداوند مقام مادر را بیشتر از پدر مورد تکریم قرار داده است، انتظار می‌رود قوه مقننه نیز با توجه به مبانی قرآنی، در قوانین حمایت از مادران در اصولی که نیاز به بازنگری دارد، تغییر ایجاد کند و خلأهای حمایت قانونی از مادران را برطرف سازد.

## ۷. تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

## References

- Alasvand, F. (2013). *Woman in Islam*. Qom: Hajar. (In Persian)
- Ālūsī, S. M. (1955). *Rūḥ al-ma'ānī fī tafsīr al-Qur'ān al-'azīm*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. (In Arabic)
- Azizmzadeh Ardebili, F. (2004). A semantic study and the status of man's management [qawwāmiyya] and women's human rights from the perspective of the Quran and its comparison with Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women. *Kitāb Naqd Journal*, 31, 20-45. (In Persian)
- Fakhr al-Dīn al-Rāzī, A. U. (2000). *Mafātīḥ al-ghayb*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Farzand Vahi, J. (2014). Review of Some of Women's political and social rights in Islam. *Quranic Knowledge Research*, 5(16), 123-151. (In Persian)
- Fayyūmī, A. M. (1994). *Al-Miṣbāḥ al-munīr fī gharīb al-sharḥ al-kabīr*. Qom: Dar al-Hijra Institute. (In Arabic)
- Feiz, J. (2010). *My child's nutrition*. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)

- Gunābādī, S. M. (1993). *Tafsīr bayān al-sa'āda fī maqāmāt al-'ibāda*. Translated by: R. Khani & H. Riazi. Tehran: Payam-e Noor University Press. (In Persian)
- Haji Azizi, B., Molavi, M., & Hassankhani, R. (2015). "Initiatives and challenges concerning women's right to custody in light of Family Protection Law approved in 2012." *The Quarterly journal of Women and Family Sociocultural Council*, 18, 93-139.  
<https://doi.org/10.22095/jwss.2016.33171> (In Persian)
- Hosseini Hamadani, M. H. (1984). *Anwār dirakhshān*. Tehran: Lotfi Bookstore. (In Persian)
- Ḥurr al-'Āmilī, M. (1989). *Wasā'il al-Shī'a*. Qom: Al al-Bayt Institute. (In Arabic)
- Ḥusaynī al-Jurjānī, A. 1984). *Āyāt al-aḥkām*. Tehran: Navid. (In Persian)
- Ibn Abī Jumhūr, M. (1985). *'Awālī l-la'ālī al-'azīziyya fī l-aḥādīth al-dīniyya*. Qom: Dar Sayyid al-Shuhada li-l-Nashr. (In Arabic)
- Ibn Bābawayh, M. (1999). *'Uyūn akhbār al-Riḍā 'alayh al-salām*. Tehran: Jahan Publications. (In Arabic)
- Ibn Manzūr, M. (1994). *Lisān al-'arab*. Beirut: Dar al-Fikr li-l-Tiba'a wa-l-Nashr wa-l-Tawzi'. (In Arabic)
- Jafari, A. (2010). An examination of the possibility of extending the period of women's custody of children. *Journal of Woman in Culture and Art*, 4(1), 25-38. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2008). *Tafsīr tasnīm*. Vol. 11. Qom: Asra. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2010a). *Tafsīr tasnīm*. Vol. 17 & 18. Qom: Asra. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2010b). *Philosophy of human rights*. Qom: Asra. (In Persian)
- Katouzian, N. (2011). *An introduction to law*. Tehran: Sahami Enteshar. (In Persian)
- Majlisī, M. B. (1983). *Biḥār al-anwār*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsīr nimūni*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
- Najafī, M. H. (1983). *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharā'i' al-Islam*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)

- Nūrī, H. M. (1988). *Mustadrak al-wasā'il wa-mustanbat al-masā'il*. Qom: Al al-Bayt Institute. (In Arabic)
- Qummī, A. I. (1988). *Tafsīr al-Qummī*. Qom: Dar al-Kitab. (In Arabic)
- Qutb, S. (1992). *Fī zilāl al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-Shuruq. (In Arabic)
- Rāwandī, Q. (1985). *Fiqh al-Qur'ān fī sharḥ āyāt al-aḥkām*. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. (In Arabic)
- Ritzer, G. (2005). *Contemporary Sociological Theory*. Translated by: M. Solasi. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Safaei, H., & Emami, A. (2016). *A concise family rights*. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Shahīd al-Thānī, Z. (N.d). *Al-Rawḍat al-bahiyya fī sharḥ al-lum'at al-Dimashqiyya*. Edited by Mohammad Kalantar. Beirut: Mu'assasat al-A'lami li-l-Matbu'at. (In Arabic)
- Shahīd al-Thānī (1993). *Masalak al-Afham to the revision of Sharia al-Islam*. Qom: Institute of Al-Maarif al-Islamiyya.
- Suyūṭī, J. (1984). *Al-Durr al-manthūr fī tafsīr al-ma'thūr*. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. (In Arabic)
- Ṭabarsī, F. (1981). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Translated by: Translatoin team. Tehran: Farahani. (In Persian)
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1995). *Tafsīr al-mīzān*. Translated by: M. Baghe Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publishing Office. (In Persian)
- Ṭayyib, S. (1999). *Aṭyab al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Islam. (In Arabic)
- The Noble Quran (2012). Translated by: H. Ansarian. Tehran: Kateban Wahy Publications.
- Ṭurayḥī, F. (1996). *Majma' al-baḥrayn*. Tehran: Mortazavi. (In Arabic)
- Ṭūsī, M. (N.d). *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Zamakhsharī, M. (1987). *Al-Kashshāf 'an ḥaqā'iq ghawāmiḍ al-tanzīl*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (In Arabic)